



سرگذشت کیخسرو

(۲)

در فصل ۳۴ از کتاب بندهشن دوره پادشاهی کیخسرو شصت سال معین شده است. از آنچه گذشت چنین بر می آید که کیخسرو، چه در اوستا و چه در ادبیات پهلوی، از بزرگترین پهلوانان و شاهان نژاد ایران است که مقام مذهبی بزرگی نیز دارد و بتدریج در شمار جاویدانان درآمده است، در اوستا این پهلوان بزرگ همه جا با دو صفت (ارشن) یعنی شجاع و فحل و (خستری هن کرمو) یعنی پیوند دهنده کشورها - متحد سازنده کشورها - پدید آورنده شاهنشاهی خوانده شده است. این دو صفت مهم کیخسرو در سراسر داستان او در شاهنامه و همچنین در ادبیات پهلوی، تهریز یا بنصریح، وجود دارد. بنابراین روایت شاهنامه، کیخسرو همیشه برای نبرد با پهلوانان بزرگ حاضر بود و با آنکه پهلوانان ایران از درآمدن پادشاه بجای ایشان به میدان نبرد تنگ داشتند، او از این کار خود داری نمیکرد چنانکه در یکی از این جنگها با پشتنگ (شاه) پسر افراسیاب که پهلوانی را از پدر به ارث میبرد دیرگاهی بجنگ تن به تن مبارزه جست تا سرانجام بر او فائق شد و باز، چنانکه در شاهنامه می بینیم، کیخسرو بختتم پادشاهی است که توانست خطر بزرگ تورانیان را از ایران شهر منقطع سازد و سراسر ایران و پادشاهان و پهلوانان ایران زمین را، از پارس و اصفهان تا خراسان، زیر

دستان دکترو پروین از پژوهندگان معاصر

لواى خویش ، برای نجات ایران ، گرد آورد و متحد سازد . بنا بر این کیخسرو در شاهنامه نیز ، همچون اوستا ، هم پادشاهی شجاع است و هم پدید آورنده شاهنشاهی ایران و متحد سازنده کشورها .

دراوستا بارها از تعلق یافتن فرکیانی به خسرو و برآمدن کارهای بزرگی بیاری فریر دست او سخن رفته است و این حال عیناً در شاهنامه هم مشهود است ، چنانکه زور و نیرو و دوست کامی و زیبایی و شکوه و جلال و پیروزی که بیاری فر نصیب کیخسرو شده بود همه را بحیرت می افکند . کیخسرو در اوستا پادشاهی دلیرست که نعمت های گوناگون بر او روی آورده بود . برزورمندترین دشمنان مانند **انوروسار** و **فرنگرسین** و **کرسوزد** غلبه یافت و انتقام خون **سیاوش** و **اغریو** را از این دو بگرفت . در اوستا محل قتل افراسیاب و گرسیوز کناره دریاچه چنچست (ارومیه) است و این روایت عیناً دره تون پهلوی دیده میشود .

دریاچه چنچست ۱- در اوستا ، بارها از این دریاچه که از سوئی با اسطوره ها و افسانه ها همراه و از سوئی دیگر دریاچه مقدس و محل رویدادهای مذهبی میباشد سخن رفته است . کلمه اوستائی «چ اچست» لفظاً بمعنی تابان و درخشنده و شفاف است . این دریاچه محل مقدس و مورد توجه بوده است . شاهان و پهلوانان بزرگ پیشین در برابر آن از برای ایزدان مراسم نیایش و قربانی بجای می آوردند و درخواست های خود را عرضه میداشتند . کوی هئوسروه (کیخسرو) شهریار نامدار کیانی از برای ایزد آناهیتا در برابر این دریاچه دورکناره ژرف قربانی داده و درخواست میکند تا بزرگترین شهریار روی زمین شود و بر دشمنان خود و ایران محلی که حکومت را تجزیه کرده بودند پیروز شود و آناهیتا نیز ویرا کامیاب می سازد . در اغلب عبارات اوستا که از دریاچه «چ اچست» یاد شده این یاد کرد باکی خسرو مستقیماً مربوط است و یابوی مربوط می شود .

آنچه از مجموع روایات پهلوی برمی آید، آن است که دریاچه چ اچست (در پهلوی چیچست) دریاچه ای مقدس است ، در خاک آذربایجان با آبی بسیار شور ، چندان که هیچ جاندارى در آن زندگی نمیکند و آبش زداينده بسيارى از بيماريهاست . زرتشت در کنار همین دریاچه زاده شده است و آتشکده بزرگ آذرگشسب نیز در کنار همین دریاچه واقع بوده است و افراسیاب تورانی دشمن بزرگ ایران بفرمان کیخسرو در کنار همین دریاچه کشته شده است .

بنا بر اشارات اوستا کسی که افراسیاب را اسیر کرد و نزد کیخسرو برد ، **هئوم** ۲ . (هوم) نام دارد . او مردی زاهد و از نژاد کیان بود که در عین زهد و ریاضت نیروی کیانی

را نیز با خود داشت ، چنانکه چون با افراسیاب در افتاد نتوانست او را زیر آورد و بکند
 افکند اما در اوستا هوم مطلقاً باصفت جنگجو آمده است . در کشته شدن افراسیاب بدست
 خسرو ، قول طبری بامتون پهلوی بیش از روایت فردوسی سازگار است ، چه طبری
 نگاشته است که افراسیاب در کنار چچمت بدست خسرو کشته شد. فردوسی مقتل افراسیاب
 را نزدیک آب زوب دانسته و برعکس آنچه در متون پهلوی دیده ایم گفته است که برای
 بیرون کشیدن افراسیاب از زیر آب ، باشارت هوم ، پالهنگ برگردن گرسیوز افکندند و او
 را بر کنار آب آوردند و چندان شکنجه کردند که از درد فغان بر آورد و افراسیاب آوای او
 بشنید و از آب بیرون آمد . در اینحال کسی از راه جزیره رسید و او را به کمند انداخت و
 از آب بر کشید و پشاهان سپرد و خود ناپدید شد. از این روایت در متون پهلوی و طبری که
 مأخذ عمده و اساسی او خداینامه بود اثری دیده نمیشود و حتی اختلاف بزرگی که میان
 طبری از یکسو و شاهنامه و دیگر مأخذ و روایات از سوی دیگر وجود دارد آنست که بنا بر
 قول طبری گرسیوز (در متن تاریخ طبری کی سواسف و در تجارب الامم ابوعلی مسکویه
 کرشواسف) برادر افراسیاب بس از او به توران زمین رفت و سلطنت را بدست گرفت و پس
 از وی پسرش خزر اسف بجای او نشست و این خزر اسف علی الظاهر همان ارجاسب شاهنامه
 است که معاصر کی گشتاسب بود و چون حرف (آ) در پهلوی الف و خاء هر دو خوانده
 میشود ، این اشتباه در خواندن نام «ارژاسب» پدید آمده است . در مجمع التواریخ ، عین
 روایت فردوسی در باب قتل افراسیاب مکرر گفته شده است . با این اختلاف که پناهگاه
 افراسیاب غاری نزدیک جیس دانسته شده نه نزدیک بردع و این جیس چنانکه میدانیم
 همان «شیز» از بلاد معروف آذربایجان قدیم است . ثعالبی نیز عین روایت فردوسی را
 در باب اسیر شدن گرسیوز و افراسیاب و کیفیت قتل آن دو ظاهراً از شاهنامه ابومنصور
 محمد بن عبدالرزاق آورده است .

چنانکه قبلاً اشاره کردیم کیخسرو دودشمن بزرگ داشت . در اوستا نام آن دو
 یعنی «فرنگرسین» (افراسیاب) و ائوروسار آمده است . همچنین از دشمن نخستین در
 ادبیات پهلوی و شاهنامه و تواریخ اسلامی بسیار سخن رفته است . اما دشمن دیگر کیخسرو
 ده دایرتر و خطرناکتر از دشمن نخستین او بود و همواره بر پشت اسب و میان جنگل با
 خسرو قتال میکرد در آثار بعدی فراموش شده و از او نامی نیامده است .

دراوسنا هر جا از کینه جوئی سیاوش سخن رفته است نام اغریث هم دیده میشود.
 بنا بر قول شاهنامه ، هوم افراسیاب را تنها به کین سیاوش به بند نیفکند بلکه کین نوذر و
 کین اغریث هم او را بر این کار باعث شده بود. زیرا اغریث تورانی برادر افراسیاب
 همواره دوستدار ایرانیان بود و افراسیاب گناهکار تندخوی را از آزار ایشان باز می داشت.

حدود قلمرو کیخسرو- یکی از نکات مهم در تحقیق داستان کیخسرو آنست که کیخسرو مانند کیکاوس که پادشاه هفت اقلیم (هفت کشور) خوانده شده است دارای چنین موقعیتی نیست و او را در اوستا و متون پهلوی هیچگاه پادشاه هر هفت کشور ندانسته اند بلکه در اوستا همه جا پیوند دهنده کشورها (مراد کشورهای ایران است) ذکر کرده و در متون پهلوی پادشاه کشور خونیرس (ایران زمین) شمرده اند و اتفاق را در شاهنامه نیز سخنی از پادشاهی او بر هفت کشور نیست .

نقل و انتقال مذهبی : میدانیم که محل فعالیت و سلطنت و قلمرو کیانیان ، شرق ایران بوده است در حالیکه اعمال مورد توجه کیخسرو به غرب نسبت داده شده است بویژه دو کار مهم و جالبش که شرح داده شد . اما مؤلفان زرتشتی آثار پهلوی و یشت عبا ، به موجب تقدس غرب ایران که زادگاه زرتشت بود به ویژه تقدس دریاچه پیشینست . صحنه اعمال مذکور را در این قسمت از ایران تعیین کرده و نقل و انتقال مذهبی از شرق به غرب صورت داده اند . اما نکته دوم ، چنانکه فردوسی آورده است ، دژی بوده که یکی از امیران دشمن ایران در آنجا تجهیزاتاتی داشته و همواره موجب دغدغه خاطر ایرانیان بوده که کیخسرو با فنون جنگی آن استحکامات را ویران کرده است و چون خاطر مردمان از این امیرستمگر آسوده شد این عمل خسرو با استقبال فراوان پذیرفته گشت و کم کم با نیروی احساسات مذهبی دارای مایه ای مذهبی شده است .

1_ Xshathrai Han keremo

2_ Tchaetchasta

3_ Haoma

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

راستی و کثری

از غم رستی تو ، اگر راستی .

نیشکر از راستی ، آن نوش یافت .

حکیم نظامی - قرن ششم

از کجی افتی بکسم و کاستی ،

گل ز کجی ، خار در آغوش یافت ،